

تحلیل عوامل مرتبط با توسعه مشارکتی از منظر ظرفیت‌های محلی توسعه در استان ایلام

سید رحیم موسوی^۱، دکتر فریدون وحیدآ و دکتر منصور حقیقتیان^۳

تاریخ وصول: ۹۵/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۳

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف شناخت و تحلیل «عوامل مرتبط با توسعه‌ی مشارکتی از منظر ظرفیت‌های محلی توسعه» در استان ایلام نگاشته شده است. روش تحقیق کمی و نوع تحقیق توصیفی - تحلیلی است. جامعه‌ی آماری تحقیق جمعیت بالای ۱۵ سال استان ایلام به تعداد (۴۳۲۵۲۸) و حجم نمونه (۴۳۹) نفر است. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی نهادی و ظرفیت‌های محلی توسعه با متغیر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام به ترتیب (۰/۳۵۸)، (۰/۲۰۵)، (۰/۳۱۱)، (۰/۲۶۲) و (۰/۴۳۷) مثبت و معنادار بوده است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی تحقیق نشان می‌دهد که متغیر سرمایه‌ی انسانی با میزان بنای برابر با (۰/۲۹۲) بیشترین تأثیر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام را دارد. متغیر سرمایه‌ی نهادی با میزان بنای برابر با (۰/۱۸۲) در رتبه‌ی دوم، متغیر سرمایه‌ی اجتماعی با میزان بنای برابر با (۰/۱۵۱) در رتبه‌ی سوم و در نهایت متغیر سرمایه‌ی اقتصادی با میزان بنای برابر با (۰/۱۰۸) کمترین تأثیر را از خود نشان داده است. به‌طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت سرمایه‌های انسانی، اقتصادی، اجتماعی و نهادی نه تنها عواملی هستند که توسعه‌ی مشارکتی در ایلام را تحت تأثیر قرار می‌دهند بلکه مهم‌تر اینکه فرایند توسعه‌ی مشارکتی ترکیبی از این عوامل در بستر مدیریت مشارکتی توسعه است.

مفاهیم کلیدی: سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی نهادی، توسعه‌ی مشارکتی

^۱ دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان (نویسنده‌ی مسئول)
rahimmosavi85@yahoo.com

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان
dun_urbstdy@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان
mansour_haghighatian@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

رویکرد توسعه‌ی مشارکتی بویژه در اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ سعی در پر کردن خلاء عظیم مشارکت عمومی در فرایند توسعه داشته و دو منظر را القا می‌کند: اول اینکه، مشارکت افراد در مراحل مختلف برنامه‌های مرتبط با زندگی آنان، فی‌نفسه یک هدف تلقی می‌شود. دوم اینکه توسعه‌ی واقعی همواره با مشارکت و فعالیت‌های عمومی تحقق می‌پذیرد (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۸۴). همچنین؛ مشارکت آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و مبتنی بر اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می‌شود و قالب‌هایی چون انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های مردمی را به خود می‌گیرد بخشی از فرایند چنین توسعه‌ای را تشکیل می‌دهند (غفاری، ۱۳۸۰: ۶). از این رو در این رویکرد؛ مشارکت دیگر یک عامل توسعه در کنار عوامل دیگر به حساب نمی‌آید بلکه هدفی بزرگ است که توسعه در صدد رسیدن به آن است چنانچه؛ ژولیوس نیره از محققان توسعه‌ی مشارکتی می‌گوید؛ توسعه بر محور مشارکت، تنها راه حل مشکلات جهان سوم است ... عبیدالله خان، بحران کنونی تشدید فقر در مناطق محلی را ناشی از کنار گذاشتن ساکنان از برنامه‌ریزی‌ها و فرایندهای توسعه، اجتناب از اصلاحات ساختی و نهادی از جمله اصلاحات ارضی و تأکید بیش از حد بر افزایش تولید می‌داند ... سالیما عمر، راه عمده توسعه را فقط از طریق مشارکت مردم و برنامه‌ریزی از پایین به بالا می‌داند ... میسرا معتقد است که برای جلب مشارکت مردم در طرح‌های توسعه باید نظام برنامه‌ریزی غیر متمرکز ایجاد شود (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۸۶-۲۸۴). استیگلیتز می‌گوید از آنجا که توسعه به معنای تحول کل جامعه است، کل جامعه باید درگیر این مسأله شود (استیگلیتز، ۱۳۸۲: ۱۷۹). به زعم بوکلند در غیاب مشارکت طرح و برنامه‌های توسعه با شکست روبه رو می‌گردند ... (نیازی، ۱۳۸۱: ۴۰-۳۹). گولت با تجزیه و تحلیل نوع شناختی انواع مشارکت نتیجه می‌گیرد که انواع مختلف توسعه، نیازمند شکل‌های مختلف مشارکت است. به نظر وی یک توسعه‌ی مردم‌محور که اولویت را به تأمین نیازهای اولیه‌ی انسانی ایجاد شغل، اتکاء به خویشتن، فعال‌گرایی و تنوع فرهنگی اختصاص می‌دهد، نیازمند نوعی از مشارکت است که در آن غیر نخبگان نقش فعالی در تشخیص مشکلات خود ایفا می‌کنند (گولت، ۱۹۸۷: ۱۶۹). به نظر وندرسن^۱ و سولویون^۲ (۱۹۸۱)؛ «مشارکت دارای پیامد کارکردهای افزایش رضایت از شرایط محیطی، گرایش مثبت نسبت به حاکمیت، افزایش احساس کنترل و نظارت، تقویت رفتار بین فردی مثبت،

^۱ Wanderson

^۲ Sullivan

تقلیل بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی، خویشتن را صاحب نقش دانستن و ارتقاء عزت نفس می‌باشد (کیلی و بریالینجر^۱، ۱۹۹۶: ۱۱۳؛ غفاری، ۱۳۸۰: ۱۴). رهنما^۲ با توجه به نقش کلیدی مشارکت در توسعه‌ی انسان‌محور چهار کارکرد را برای مشارکت بر می‌شمارد: ۱- کارکرد شناختی؛ ۲- کارکرد اجتماعی؛ ۳- کارکرد سیاسی؛ ۴- کارکرد ابزاری (غفاری، ۱۳۸۰: ۱۳).

۱- بر حسب کارکرد شناختی؛ مشارکت مولد گفتمان و عملیات مربوط به توسعه‌ای است که مبتنی بر شیوه‌ی متفاوتی از فهم واقعیت‌های مربوط به توسعه است ... مشارکت مردمی معنا و نقش جدیدی از توسعه ارائه می‌دهد که مبتنی بر صورت‌های متفاوتی از تعامل، کاوش و کنکاش مشترک برای نیل به شناخت مردمی و بومی جدیدی است؛

۲- به لحاظ اجتماعی؛ مشارکت می‌تواند نهادها، گروه‌ها و افراد درگیر در فرایند و فعالیت‌های توسعه‌ای را در قالب بازه‌ای جدید صف‌آرایی نموده و به آنها توانمندی لازم را جهت برآوردن نیازهای اصلی و ریشه‌کن نمودن فقر اعطاء نماید؛

۳- از منظر سیاسی؛ مشارکت می‌تواند بواسطه‌ی توانمندسازی افراد فاقد قدرت^۳ و خاموش^۴ منبع مشروعیت بخش به توسعه باشد؛

۴- به لحاظ ابزاری؛ رویکرد مشارکتی با آگاهی از نقصان‌های راهبردهای سنتی و متعارف توسعه و نیز با بهره‌گیری از فرایند توانمندسازی، آسیب‌پذیران را به مراقبت از خودشان فرا می‌خواند (رهنما، ۱۹۹۹: ۱۲۲-۱۲۱؛ غفاری، ۱۳۸۰: ۱۴).

با توجه به مقدمه‌ی مذکور، استان ایلام دارای پتانسیل‌های خوبی در زمینه‌ی کشاورزی، دامپروری، گردشگری (طبیعی، تاریخی، مذهبی، قرار گرفتن در مسیر عتبات عالیات در کشور عراق) است و بر اساس مطالعات انجام شده، این استان حدود ۱۱ درصد ذخایر مستقل گاز کشور - ۱۴ تریلیون فوت مکعب - و بیش از ۳/۱۵ درصد ذخایر نفت خشکی ایران - ۸۷.۱۱ میلیارد بشکه - را دارا می‌باشد (سالنامه‌ی آماری ایلام، ۱۳۹۱)؛ اما این استان در ردیف توسعه‌نیافته‌ترین و محروم‌ترین مناطق کشور قرار دارد تا جایی که به نظر می‌رسد عدم مناسبت طرح‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای بالا به پایین، غیر بومی بودن دیدگاه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای و بویژه نادیده گرفتن ظرفیت‌های محلی توسعه در این منطقه عواملی هستند که چرخه‌ی محرومیت در ایلام را تشدید می‌کنند. به عبارت دیگر؛

¹ Kelly and Breialinger

² Rahnema

³ powerless

⁴ voiceless

در منطقه‌ی ایلام، دولت‌ها از گذشته تاکنون با توجه به اهمیت مشارکت‌های مردمی در فرایند توسعه‌ی مناطق محروم و با اتکای به سیاست‌های بالا به پایین توسعه، همواره سعی کرده‌اند از مشارکت‌های مردمی به مثابه ابزاری مطلوب و حیاتی برای ارتقای سطح زندگی مردم و کاهش محرومیت در این منطقه بهره گیرند؛ اما با توجه به مطالعات اکتشافی محقق (با استفاده از تکنیک مشاهده‌ی مشارکتی) در سطح استان ایلام، این نوع سیاست‌های بالا به پایین و استراتژی‌های دولت‌گرای مشارکتی که بر پیش‌فرض همکاری کامل از سوی اجتماع و مردم با سیاست‌های دولتی استوار بوده است در واقعیت با موفقیت چندانی همراه نبوده و حتی مشارکت در زمینه‌های خاصی همچون همیاری در کشاورزی و دامپروری، اقدامات خیرخواهانه مانند کمک متقابل مردم در عروسی‌ها، جشن‌ها، عزاداری‌ها و غیره که در دهه‌های گذشته در منطقه‌ی ایلام بصورت فراگیر وجود داشته امروزه نیز یک سیر نزولی را در پی گرفته است.

به‌طور کلی؛ مسأله‌ی این پژوهش این است که به موازات ناکارآمدی‌ها و تردیدها در مورد استراتژی‌های رشد و توسعه‌ی از «بالا به پایین» در مناطق محروم و از جمله ایلام، امروزه برنامه‌ریزی‌های متکی به الگوی از پایین به بالای توسعه و به تعبیر این پژوهش توسعه‌ی مشارکتی می‌تواند رویکردی نو، در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام باشد. البته اتخاذ رویکرد توسعه‌ی مشارکتی در منطقه‌ی ایلام، خود تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که شناخت و تحلیل این عوامل نیازمند پژوهش و تحقیق است تا جایی که به نظر می‌رسد شکل‌گیری فرایند توسعه‌ی مشارکتی که در کانون آن مشارکت مردم در توسعه به‌عنوان یک رویه‌ی عادی از فعالیت‌های ذهنی و عینی مشارکت در چرخه‌ی زندگی ساکنان محلی جلوه می‌کند؛ بی‌ارتباط با ظرفیت‌ها یا سرمایه‌های نهادی، اجتماعی، انسانی و اقتصادی منطقه‌ی مورد پژوهش نباشد که در واقع، شناخت آن می‌تواند در تدوین سیاست‌ها و اهداف توسعه‌ی مشارکتی در منطقه‌ی ایلام نقش قابل توجهی داشته باشد. بررسی و شناخت رابطه‌ی ظرفیت‌های محلی توسعه در ابعاد (نهادی، اجتماعی، انسانی و اقتصادی) با رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام هدف اصلی این تحقیق می‌باشد و مهم‌ترین پرسش این تحقیق عبارت است از اینکه چه رابطه‌ای بین ظرفیت‌های محلی توسعه در ابعاد نهادی، اجتماعی، انسانی، اقتصادی با رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

به لحاظ پیشینه‌ی تجربی در این پژوهش برخی پژوهشگران داخلی مانند عسگری (۱۳۷۹) و محققان خارجی مانند پایک و دیگران (۲۰۰۶)؛ سعی کرده‌اند که به نقد سیاست‌های سنتی توسعه‌ی منطقه‌ای و مزیت‌های توسعه‌ی محلی (مشارکتی) جدید بپردازند؛ به علاوه؛ پژوهشگرانی مانند کریمی (۱۳۷۸)؛ نیازی (۱۳۸۱)؛ عباس‌زاده (۱۳۸۷)؛ قرنی ارانی و همکاران (۱۳۸۸)، نعمتی و همکاران (۱۳۸۸) و یوسفوند (۱۳۹۲)؛ در ایران و سرویش و هاونز (۱۹۹۷)، لیندستروم و دیگران (۲۰۰۰)، لی (۲۰۰۳)، ایوان اسکوفر و ناریون گورینانس (۲۰۰۴)، اینگن (۲۰۰۸)، سیرن و دبر (۲۰۰۸)، کاتن و گادت (۲۰۰۸)، کاسترو (۲۰۰۸)، کیکوگ نانی و دیگران (۲۰۰۸)، هی‌پی و دیگران (۲۰۰۸)، کوو و همکارانش (۲۰۰۸)، دالمانز و همکارانش (۲۰۰۸) در خارج از ایران، به مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. پژوهش‌های فیروز آبادی (۱۳۸۴)، شعبانی و سلیمانی (۱۳۸۸)، پاتنام (۱۹۹۲) و هوگ (۲۰۰۳) راجع به سرمایه‌ی اجتماعی است. در نهایت فوجی‌راد (۱۳۹۰)، گبوردانو (۲۰۰۱)، رودریوژ - پوس (۲۰۰۹)، سامیر (۲۰۰۹) مالویک و دیگران در رابطه با سرمایه‌ی نهادی پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. به‌طور کلی در زیر به نتایج برخی از مهم‌ترین این تحقیقات اشاره شده است.

الف) تحقیقات داخلی

محسنی‌تبریزی (۱۳۷۸)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «میزان مشارکت روستاییان و ارتباط آن با توسعه‌ی پایدار کشاورزی در روستاهای شهرستان گرمسار»؛ به این نتایج می‌رسد که بین متغیرهای بیگانگی اجتماعی، بیگانگی سیاسی، میل به کار گروهی، تعهد و التزام به کار، رضایت شغلی، احساس کارآیی نمودن، ارزش پاداش، احساس بی‌اعتمادی در روابط اجتماعی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، فردگرایی، احساس مالکیت فردی، انگیزه‌ی اقتصادی، سن، سطح تحصیلات و استفاده از رسانه با مشارکت اجتماعی روستاییان رابطه معناداری وجود دارد؛ همچنین متغیرهای وضعیت‌های اجتماعی - اقتصادی و انگیزه‌ی اقتصادی بالاترین تأثیر را بر روی مشارکت اجتماعی روستاییان داشته‌اند (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۸).

عباس‌زاده (۱۳۷۸)، در رساله‌ی دکتری خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه: شهر اصفهان)»؛ به این نتایج می‌رسد که از بین متغیرها، عوامل اجتماعی و گرایش بیشترین تأثیر و متغیرهای رفاه غیر مادی،

تأمین نیازهای اولیه و فرهنگی کمترین تأثیر را بر میزان مشارکت کل شهروندان اصفهانی در امور شهری داشته است (عباس‌زاده، ۱۳۷۸).

غفاری (۱۳۸۰)، در رساله‌ی دکتری خود تحت عنوان «تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - اقتصادی سازمان‌یافته‌ی روستاییان به‌عنوان مکانیزمی برای توسعه‌ی روستایی در ایران: مطالعه‌ی موردی: روستاهای شهر کاشان»، به این نتیجه می‌رسد که در سطح خرد تحلیل متغیرهای خاص‌گرایی، تمایل به همکاری گروهی، خوداتکایی، طایفه‌گرایی، نوگرایی، میزان دارایی خانوار، تحصیلات، مجموعه سال‌های تحصیل در خانواده، نوع فعالیت شغلی و در سطح میانی متغیرهای انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایت از دولت و امکانات توسعه‌ای با میزان مشارکت اجتماعی - اقتصادی روستاییان رابطه‌ی معناداری داشته‌اند. نتایج سطح کلان تحقیق نیز نشان می‌دهد نه تنها بسترسازی لازم برای تحقق مشارکت سازمان‌یافته مؤثر که مستلزم تمرکززدایی و توانمندسازی روستاییان و نجات آنها از وابستگی به دولت می‌باشد، صورت نگرفته است بلکه زمینه‌های وابستگی به دولت، تمرکزگرایی و دیوان‌سالاری دولتی و نادیده گرفتن نیروهای درونی که مانع مشارکت اجتماعی - اقتصادی هستند تقویت شده‌اند.

نیازی در رساله‌ی دکتری خود با عنوان «تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهرستان کاشان در سال ۱۳۸۰»؛ در سطح خرد و میانه رابطه بین متغیرهای تقدیرگرایی، سنت‌گرایی، خاص‌گرایی، آینده‌گرایی، خوداتکایی، بیگانگی اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، ساختار خانواده و پایگاه اقتصادی و اجتماعی با مشارکت اجتماعی معناداری بوده است. فرض کلان پژوهش هم در قالب متغیرهای کلان تمرکزگرایی و اقتدار ساختار سیاسی و دیوانسالاری و نظام متمرکز اداری را با روش تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است که محقق نتیجه می‌گیرد که عوامل فوق در طول تاریخ ایران به‌عنوان مانعی مهم در تحقق مشارکت اجتماعی بوده است (نیازی، ۱۳۸۰).

یوسفوند (۱۳۹۲)، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی ارتباط خرده فرهنگ محلی با توسعه‌ی مشارکتی (مورد مطالعه: روستاهای منطقه‌ی کهمان شهرستان سلسله)؛ به این نتایج می‌رسد که بین جهت‌گیری ارزشی (دینی)، اعتماد اجتماعی، تمایل به فعالیت جمعی و گروهی و توسعه‌ی مشارکتی رابطه‌ی معنادار مثبت و مستقیم وجود دارد؛ همچنین در تحلیل رابطه‌ی بین خانواده‌گرایی و طایفه‌گرایی مشخص شده است توسعه‌ی مشارکتی با مسئولیت‌پذیری، همدلی و درگیری ذهنی و مشارکت

مدنی دارای رابطه‌ی مثبت و معنادار و با عنصر انگیزه‌ی پیشرفت دارای رابطه‌ی معکوس و منفی می‌باشند (یوسفوند، ۱۳۹۲).

ب) تحقیقات خارجی

گیوردانو (۲۰۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «ظرفیت و توانایی نهادی، خرده‌فرهنگ سیاسی و تجدید حیات منطقه‌گرایی»، به این موضوع می‌پردازد که در دهه‌های اخیر در اروپا توجه عمده و ویژه‌ای به نقش و اهمیت آنچه که به اصطلاح ظرفیت و توانایی نهادی منطقه‌ای در توسعه‌ی منطقه‌ای در درون اتحادیه‌ی اروپا نامیده می‌شود شده است. به علاوه وی نتیجه می‌گیرد که وجود ظرفیت نهادی بالا از دلایل عمده و اساسی است که در نتیجه‌ی وجود آن منطقه‌ی نورثرن لیگو^۱ در ایتالیا توانسته است به‌عنوان منطقه‌ای مهم در میان مناطق پویا و توسعه‌یافته‌ی اروپا ظهور یابد.

تونی مک‌کال^۲ (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «طرح نهادی برای مدل‌های توسعه‌ی اجتماع اقتصادی»، به این موضوع می‌پردازد که مدل‌های توسعه‌ی اجتماع اقتصادی از متأخرترین مدل‌های پیش رو در حوزه‌ی مطالعات توسعه‌ی منطقه‌ای است. این مقاله به رویکرد بحث‌برانگیز سیاست توسعه‌ی منطقه‌ای، فرصت‌ها و ظرفیت‌ها به‌طور مؤکد می‌پردازد تا نتایج و مزیت‌های آن در خصوص کارآمدی مدل توسعه‌ی اجتماع اقتصادی در جوامع فدرال اطمینان حاصل کند؛ همچنین، این مقاله توسعه‌ی اقتصادی را در مناطق جغرافیایی تشریح نموده که نشان‌گر توسعه‌ی نگرش‌ها و رویکردهای پایین به بالا است و یا اینکه توسعه‌ی کسب و کار مشارکتی در جامعه است.

مالکویچ و همکارن^۳ (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای با عنوان «ظرفیت نهادی برای توسعه‌ی منطقه‌ای در کرواسی»، ظرفیت اجرایی و امثال آن را در مفهوم نهادی خلاصه نموده است. همچنین نویسندگان در یک سطح کلان‌تر ظرفیت نهادی/اجرایی را در زمینه‌ی چهار اقدام اصلی یعنی مدیریت، برنامه‌ریزی، کنترل و ارزیابی تعریف می‌کنند. در این پژوهش به صورت تجربی ثابت شده است که ظرفیت نهادی در میان مجموعه عوامل تأثیرگذار، برای استفاده‌ی کارآمد از منابع مالی در توسعه‌ی منطقه‌ای و محلی یکی از پیش‌شرط‌های اصلی است.

^۱ Northern League

^۲ Tony Mccall

^۳ Malekovic et al

هیپا و همکاران^۱ (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «مشارکت اجتماعی و تندرستی، با توجه به میزان سرمایه‌ی اجتماعی»؛ در مقایسه‌ی اقلیت سوئدی در استان استروبوکنیای فنلاند نشان می‌دهد که؛ مشارکت اجتماعی با میزان سلامت افراد ارتباط معناداری دارد و سن افراد، میزان اعتماد و شبکه‌های ارتباطی افراد بر میزان مشارکت اجتماعی مؤثر است. همچنین، مهاجرت از روستا به شهر تأثیری بر پایداری مشارکت اجتماعی نداشته است و در نهایت اقلیت سوئدی از اکثریت فنلاندی مشارکت فعال‌تری داشتند و این به خاطر سرمایه‌ی اجتماعی بالای آن‌ها بوده است.

کاوتن و گودت (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بازاندیشی مشارکت اجتماعی، مطالعه‌ی مهاجران در کانادا»؛ نشان می‌دهند اول اینکه انجام فعالیت داوطلبانه رسمی و مشارکت اجتماعی گسترده سطح یکسانی از تغییرپذیری را در بین گروه‌ها (کانادایی‌ها و مهاجران) نشان نمی‌دهد. دوم، تأثیر مثبت خانواده که معمولاً مشاهده می‌شود، در بین مهاجران رابطه نداشته است؛ حضور بچه‌ها افزایش معناداری در تعهدشان نداشته است. سوم، جنسیت مؤلفه‌ی قوی بوده است؛ به طوری که زنان کانادایی شباهت بیشتری در مشارکت کردن با هم داشته‌اند در حالی که زنان مهاجران به هم شباهت نداشته‌اند.

سامپیر^۲ (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای با عنوان «آیا سطحی از ظرفیت نهادی برای توسعه‌ی یکپارچه‌ی منطقه‌ای وجود دارد؟» با اندازه‌گیری شاخص‌های توسعه در سطح شهرستان کرواسی و در ارتباط آن با میزان ظرفیت نهادی آنها نتیجه می‌گیرد که شهرستان‌های با سطوح بالاتر ظرفیت نهادی و سطح توسعه وجود دارد. همچنین، ساختارهای متفاوت حکمرانی دارای سطوح ظرفیت نهادی متفاوتی هستند و در نتیجه با توجه به اینکه در کرواسی ساختارهای جدید حکمرانی در حال شکل‌گیری است، بنابراین برای اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های توسعه‌ی یکپارچه‌ی منطقه‌ای برای سطوح ظرفیت نهادی موجود را افزایش داد. در نهایت سامپیر اشاره می‌کند که ظرفیت‌سازی نهادی برای توسعه‌ی منطقه‌ای خود مستلزم زمان، میل و خواست برای یادگیری و باز بودن سیاسی نسبت به فرایندها و رویکردهای جدید حکمرانی می‌باشد.

روبینز (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه‌های توسعه‌ی ظرفیتی یا ظرفیت‌سازی راهنمایی سیاست‌گذاری و برنامه‌های توسعه و واگذاری» دیدگاه و علایق گروه‌های ذی‌نفع عمده را برای توسعه‌ی ظرفیت در یک منطقه‌ای در معنای معاصر پدیده‌ی جهانی و جامعه

¹ Hyypa, M. T., and etal

² Sumper

محوری حکومت‌های غیر متمرکز در مقیاس منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد؛ همچنین تأکید روبینز بر شواهد غیر رسمی موجود در پیشبرد توسعه و اجرایی سیاست‌ها و برنامه‌ها به ویژه توسط دولت‌ها است. این تحقیق تجارب دولت‌های محلی در استرالیا، به‌عنوان کشوری با نظام پیشرفته و تجارب ساختار ظرفیت در بخش‌های سلامت، بیمه و مدیریت بحران به منزله‌ی الگوی مفید فراهم می‌نماید. همچنین، در این مقاله ۲۲ معیار از معیارهای ساختار ظرفیت در قالب مبحثی میان انسان، جامعه و بعدهای اقتصادی و نهادی آورده شده است.

مبانی نظری و مدل مفهومی پژوهش

توسعه مشارکتی

توسعه‌ی مشارکتی^۱، یک مفهوم فازی است که تعریف مشخصی از آن وجود ندارد و تنها برداشت‌های از آن وجود دارد که در زیر به آنها اشاره شده است:

- توسعه‌ی مشارکتی با طرح اندیشه‌های توسعه از پایین، درون‌زا و بومی که با مفاهیم خوداتکایی و مشارکت مردمی آمیختگی شدیدی دارند و بر استفاده از منابع طبیعی، انسانی و نهادی با هدف ارضاء نیازهای اساسی افراد هر منطقه تأکید دارند قرابت دارد (تایلور و مکنزی، ۱۹۹۲: ۲۳۳؛ غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۸۸).

- دخالت خودخواسته‌ی عناصر محلی در فرایند توسعه و تحرک بخشیدن به منافع بومی برای نیل به توسعه‌ی محلی و ملی زیربنا و شالوده‌ی نگرشی را تشکیل می‌دهد که از آن می‌توان به‌عنوان «توسعه‌ی مشارکتی» یاد کرد (مونکنز، ۱۳۷۴: ۳).

- رویکرد توسعه‌ی مشارکتی که در آن مشارکت به‌صورت غایی و ابزاری ایفای نقش می‌نماید با مواردی چون افزایش تولید و بهره‌وری، تحقق فرصت‌های برابر، دسترسی به منابع قدرت، دسترسی به خدمات و نهادهای تولید، اشتغال سودمند، تقویت و اعتلاء اعتماد به نفس و خود اتکائی، توازن بوم‌شناختی و ... قرابت دارد (غفاری، ۱۳۸۰: ۶).

ظرفیت

ظرفیت می‌تواند به‌عنوان توانایی انجام وظایف و تولید نتایج مناسب، تعریف و حل مشکلات و اتخاذ انتخاب‌های آگاهانه تعریف شود (کمیسون اروپا، ۲۰۰۵: ۵).

^۱ participatory developmente

ظرفیت‌سازی (توسعه‌ی ظرفیتی)

شورت‌ها و شوک اسمیت، ظرفیت‌سازی را به‌عنوان یک فرایند حمایت تدریجی و پیچیده در ارتقای منابع اساسی انسانی و مادی و محلی و به‌عبارتی نوعی سرمایه‌گذاری می‌دانند (ازکیا، ۱۳۸۷: ۲۳۲). اید نیز اظهار می‌دارد که تفکر در مورد ظرفیت‌سازی اغلب بواسطه‌ی ایده‌های مرتبط با مشارکت، توانمندسازی، جامعه‌ی مدنی و جنبش‌های اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته است (اید، ۱۹۹۷: ۱۰). در یک جمع‌بندی از دیدگاه و نظریه‌های افرادی همچون پرتی (۱۹۹۹)، پاتنام (۱۹۹۳)، کاوایا (۱۹۹۹) و جاکسون (۲۰۰۱)، کاتھیل و فین اظهار می‌دارند که در قلمرو ظرفیت‌سازی سه عرصه‌ی مشخص نسبت به سایر عرصه‌ها برجسته‌تر و مشخص‌تر می‌نمایند: نخست، توسعه‌ی سرمایه‌ی انسانی که بر تقویت و ارتقاء مهارت‌ها، تجارب و دانش شهروندان تأکید دارد؛ دوم، توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی که به صورت گسترده بر روابط رسمی و غیر رسمی در درون خانواده‌ها، گروه‌های اجتماعی و حکومت‌ها تأکید دارد؛ و سوم، توانایی و ظرفیت نهادی حکومت‌ها در زمینه‌ی تسهیل ابتکارات و ابداعات ظرفیت‌سازی اجتماع محلی است (کاتھیل و فین، ۲۰۰۵: ۶۶)

سرمایه انسانی

سرمایه‌ی انسانی به آن دسته از سرمایه‌هایی اشاره دارد که شامل مهارت‌ها و توانایی‌های فردی است (روح‌الامینی، ۱۳۷۴: ۴۶۵). سرمایه‌ی انسانی شامل آموزش (آموزش پایه و آموزش ضمن خدمت)، مهارت‌ها (فنی، انسانی و ادراکی)، سلامتی ارزش‌ها و رهبری می‌باشد (چاوش باشی، ۱۳۸۷: ۹۵).

سرمایه اقتصادی

سرمایه‌ی اقتصادی به درآمد پولی و سایر منابع و دارایی‌های مالی اطلاق می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۵).

سرمایه اجتماعی

سرمایه‌ی اجتماعی وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهتر کنند (پاتنام، ۱۳۷۷: ۲۵۱). در نگاه بورديو سرمایه‌ی اجتماعی عبارت از موفقیت‌ها و روابط در

گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد (بوردیو، ۱۹۸۶: ۲۸۴). سرمایه‌ی اجتماعی شامل پیوندهای فعال ذخیره شده در میان اعضای جامعه همانند اعتماد، فهم متقابل، ارزش‌ها و رفتارهای مشترک است ... (کوهن و پروساک^۱، ۲۰۰۱: ۴). سرمایه‌ی اجتماعی، هنجارها و شبکه‌هایی می‌باشد که مردم را قادر می‌سازد تا دست به کنش جمعی بزنند (پورتس^۲، ۱۹۹۶: ۱۸-۲۶).

سرمایه نهادی

لیپهارت^۳ نهادها را به‌عنوان قوانین و شیوه‌های رسمی و غیر رسمی تعریف کرده است که برای نشان دادن و باز نمایاندن عملکرد شهروندان در سیاست‌های عمومی به کار می‌روند (لیپهارت، ۱۹۸۴: ۳). آپهوف^۴، نهاد را به‌عنوان مجموعه پیچیده‌ای از هنجارها و رفتارهای پایدار در طول زمان که اهداف اجتماعی را ارزش‌گذاری می‌کنند و سازمان را به‌عنوان یک ساختار رسمی و مورد پذیرش قوانین تعریف می‌کند با این حال اشاره می‌کند که هر دو اصطلاح می‌توانند به جای هم بکار روند نهادها می‌توانند سازمان‌ها باشند و برعکس ... (آپهوف، ۱۹۸۶: ۸-۹).

پیوند مشارکت و توسعه

رویکردهای سنتی از این منظر به پیوند توسعه و مشارکت می‌پردازند که پدیده‌ی مشارکت در خلاء اتفاق نمی‌افتد بلکه با فرهنگ و بسترهای اجتماعی مرتبط است (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). توسعه‌ی سیاسی نیز فرایندی است که زمینه‌ی لازم را برای نهادی کردن تشکل و مشارکت سیاسی فراهم می‌کند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۵۱). اما رویکردهای توسعه از پایین؛ توسعه بر اساس راهبرد نیازهای اساسی؛ توسعه‌ی مستقل و متکی به خود؛ توسعه از درون؛ توسعه‌ی انسان‌محور؛ توسعه‌ی جهان‌گستر، مبتنی بر نظم اقتصاد نوین بین‌المللی و توسعه‌ی محلی، رهیافت‌های نوینی هستند که میان توسعه و مشارکت پیوند مفهومی برقرار می‌کنند. همچنین ادبیات نوین مدیریت مشارکتی توسعه که با عناوین حکمرانی خوب و گسترش بخش سوم یا سازمان‌های غیر دولتی عجین شده

¹ Cohen and Prusak

² Portes

³ Lipjhart

⁴ Uphoff

است می‌تواند بستر مناسبی را فراهم کند که منجر به مشارکت واقعی مردم در توسعه شود. بر اساس رویکرد حکمرانی خوب؛ اگر چه حکومت به‌عنوان عامل و مرجعی که ابزارهای اصلی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در اختیار دارد، می‌تواند به‌عنوان مرجع هدایت‌کننده‌ی فرآیند توسعه تلقی شود ولی این امر به هیچ وجه به معنای نادیده انگاشتن سایر عوامل و بویژه مشارکت افراد، گروه‌ها و نمایندگان بخش‌های خصوصی، مردمی و یا جامعه‌ی مدنی نیست (فرجی‌راد و کاظمیان، ۱۳۹۱: ۱۵۱-۱۵۴). رویکرد بخش سوم نیز که گاهی تحت عنوان رویکرد «مشارکت بدون قدرت»، یا «مشارکت بدون دولت» نامیده می‌شود بر خوداتکایی و اعتماد به نفس در میان افراد مشارکت‌کننده؛ اهمیت عمل جمعی برای حل مسائل و مشکلات گروهی؛ رهایی از کنترل و تفوق دولت به مثابه عامل جهت‌دهنده؛ حرکت برای جلوگیری از شکاف زاید قدرت و درآمد درون جمعیت‌های بزرگ؛ قدرت بخشی متعادل به افراد؛ تجهیز و بسیج گروه‌های کوچک به‌عنوان واحدهای اساسی عمل و فعالیت و تأکید زیاد بر گروه‌های محلی برای افزون بر توفیق برنامه‌های توسعه تکیه دارد (عنبری، ۱۳۹۰: ۳۰۷).

عوامل تبیین‌کننده مشارکت در توسعه

در بررسی مشارکت افراد در توسعه، گروهی بر عوامل انگیزه، سائقه و ویژگی‌های شخصیتی، تأکید می‌کنند. از این منظر، در بررسی فعالیت‌های جمعی و مشارکتی افراد، باید به میزان احساس تعلق آنها به جامعه، اعتماد به نفس، خلاقیت، استعدادهای فردی و انگیزه‌های مختلف توجه کرد. از جمله انگیزه‌هایی که در این دیدگاه بر آن تأکید شده است، «انگیزه‌های مذهبی»، «انگیزه‌ی پیشرفت»، «انگیزه‌ی شایستگی»، «انگیزه‌ی قدرت»، «انگیزه‌ی کار» و غیره هستند. وین دایر^۱ از «مردمان فاقد مرز» صحبت می‌کند. او این افراد را بهره‌مند از انگیزه‌های بالای قناعت، اعتماد و امید می‌داند. مک‌لند «انگیزه‌ی نیاز به پیشرفت^۲» را مقدم بر فعالیت‌های معطوف به رشد اقتصادی و توسعه‌ی اجتماعی می‌داند. رابرت دابلیو. وایت از «انگیزه‌ی شایستگی» سخن می‌گوید. وایت، موقعیت‌ها، شکست‌ها، سازگاری با جامعه، خلاقیت و فعالیت‌های اجتماعی افراد را متأثر از انگیزه‌ی شایستگی می‌پندارد. آلفرد آدلر از «انگیزه‌ی قدرت»، ابراهام مازلو از «انگیزه‌ی کار» و

^۱ Wean Dyer

^۲ need for achievement

پارسنز از «انگیزه‌ی پایگاه اجتماعی - اقتصادی» در چگونگی شکل‌گیری شخصیت افراد و تأثیر آن بر رفتارهای اجتماعی - اقتصادی آنها سخن می‌گویند (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۸۷).

دسته‌ی دوم محققان، بر جنبه‌ی رفتاری مشارکت تأکید دارند ... فرض اصلی این دیدگاه‌ها آن است که رفتار زمانی شکل می‌گیرد و جنبه‌ی نهادی می‌یابد که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی گیرد. مشارکت هنگامی گسترش می‌یابد که منافع عینی آن (تصور فرد نسبت به منافع آن) بیش از هزینه‌ها (تصور ذهنی فرد نسبت به هزینه‌های آن) می‌باشد. در زیرمجموعه‌ی این نگاه، نظریه‌های انتخاب عقلانی، نظریه‌ی کنش مدلل و نظریه‌های رفتارگرایی متکی بر هزینه‌ها و پاداش‌ها در جامعه‌شناسی قرار دارد. پیش‌فرض بنیادین نظریه‌ی انتخاب عقلانی^۱ این است که رفتار و کنش آدمیان، هدفمند، سنجیده و حسابگرانه است (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۸۸-۲۸۷). به زعم آیزن و فیش باین^۲، در نظریه‌ی کنش مدلل^۳ نخستین سازه‌ی مؤثر بر قصد به مشارکت، اطلاعات فرد در مورد مشارکت است. حداقلی از دانش در مورد یک پدیده یا رفتار لازم است تا ذهن فرد نسبت به آن کنجکاو شده و بتواند آن را موضوع احساسات مثبت یا منفی خود قرار دهد. علاوه بر درک معنی مشارکت لازم است نسبت به انواع ممکن آن نیز شناخت نسبی حاصل گردد. سومین عامل مؤثر در شکل‌گیری انگیزه‌ی درونی مشارکت، ارزشمند دانستن پیامدهای متصور برای مشارکت است. دو سازه‌ی مهم دیگر؛ یعنی تصور فرد از قضاوت دیگران در مورد مشارکت و میزان علاقه‌ی فرد به برآوردن توقعات دیگران را در این زمینه می‌توان مؤثر دانست. عامل دیگری که می‌تواند نقش تسهیل‌کننده و یا مانع را در ایجاد انگیزه برای مشارکت بازی می‌کند، سوابق فرد در زمینه‌ی مشارکت است (مرادی پرنده‌جانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۸). نظریه‌ی رفتارگرایی سیاسی رابرت دال نیز بر پایه‌ی نظریه‌ی اختیار عاقلانه اذعان می‌دارد که عاملین اجتماعی بر اساس انتخاب‌های عقلانی رفتار می‌کنند؛ همچنین دال متأثر از نظریه‌ی اثربخشی و اعتماد سیاسی معتقد است که اعتماد افراد به اینکه در فرایند تصمیم‌گیری مؤثر خواهند بود و نیز این که فعالیت‌های آن‌ها اثر قابل توجهی در جامعه خواهد گذاشت، نقش مؤثری در مشارکت افراد در جامعه خواهد داشت (دال، ۱۳۶۴: ۴۰-۳۵؛ دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۱).

^۱ rational choice theory

^۲ L. Ajzen and M. Fishbien

^۳ Reasoned Action

دسته‌ی سوم محققان بویژه جامعه‌شناسان در بررسی عوامل مشارکت در توسعه، بر فرایندهای اجتماعی - اقتصادی کلان، نظام‌های حاکم، ساختارهای دیوان‌سالارانه و نهادین، نهادهای خانوادگی، منزلت، نظام تعلیم و تربیت و غیره تأکید می‌کنند. همچنین طرفداران این دیدگاه، فرایندهای ساختاری و پهن دامنه‌ی اجتماعی نظیر شهرنشینی، گسترش نهادها و وسایل ارتباط جمعی، ساخت قدرت حاکم، پویایی گروهی، سواد و منزلت اجتماعی را بر مشارکت مؤثر دانسته‌اند. بر این اساس؛ طبق نظر دورکیم همبستگی و انسجام اجتماعی زمینه‌ی مشارکت افراد در یک جامعه را فراهم می‌کند (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۴)؛ به زعم لیپست بین متغیرهای تحصیلات، شغل، درآمد، سن، جنس، محل سکونت و وضعیت تأهل با مشارکت رابطه وجود دارد (لیپست، ۱۹۹۷: ۱۲۲)؛ ولفینگر و رزنستون می‌گویند: افراد دارای درآمد بیشتر، توفیق مادی و امکانات مادی بیشتر، ممکن است در نظام سیاسی ... دارای انگیزه‌ی قوی‌تری برای مشارکت باشند (ولفینگر و رزنستون، ۱۹۸۰)؛ لرنر بر سه فرایند شهرنشینی، سواد و مشارکت رسانه‌ای انگشت می‌گذارد (سیف‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۱۸)؛ مایرون وینر، گسترش وسایل ارتباط جمعی، ساخت قدرت حاکم و تکوین نوسازی را دلایل عمده‌ی مشارکت اجتماعی - سیاسی افراد ذکر می‌کند (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۹۰)؛ ساموئل هانتینگتون منزلت طبقاتی بالاتر و سپس پویایی و احساس گروهی را زمینه‌ی شکل‌گیری مشارکت اجتماعی سیاسی می‌داند (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۵)؛ اینگلهارت بر سه عامل سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی تأکید دارد (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳)؛ به نظر مک‌کلارگ: کیفیت و کمیت شبکه‌ی تعاملات افراد در میزان مشارکت آنان تأثیر دارد (مک‌کلارگ، ۲۰۰۳: ۴۴۹-۴۴۶)؛ طبق نظر آلموند و وربا اگر فردی در شبکه‌ی گروهی خاص زندگی کند که دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی باشد، از طریق اجتماعی شدن سیاسی، این فرهنگ به وی منتقل می‌شود و فردی مشارکت جو خواهد شد (حسین‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۱)؛ از دید رونالد کالین «مشارکت در توسعه هنگامی معنای واقعی و کامل خود را باز می‌یابد که در مکانیسم‌های مرکزی حیات اجتماعی نفوذ کرده، بر تنظیم کارکرد زندگی اجتماعی تأثیر گذارد» (صمدی‌راد، ۱۳۸۵: ۱۰۶)؛ هنک دکر، بر نقش آموزش و یادگیری در مشارکت تأکید می‌کند (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵: ۴۴)؛ کلی و برین لینگر معتقدند مشارکت در کنش جمعی باید با توجه به پیوندهای بین ویژگی‌های شخصیتی، موقعیت کنترل، اثرگذاری سیاسی و جهت‌گیری فردگرایانه - جمع‌گرایانه و نیز جایگاه اجتماعی افراد مورد تبیین قرار گیرد (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳)؛ میلبراث و گوئل انگیزه‌های سیاسی،

موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی و محیط سیاسی را در مشارکت افراد مهم می‌دانند (صوری، ۱۳۸۱: ۱۴۷-۱۴۶).

علاوه بر دیدگاه‌های فوق از دیدگاه محققان توسعه‌ی مشارکتی این که:

- به زعم گائوتری؛ برای تحقق مشارکت هم باید اراده‌ی سیاسی دولت، اسناد قانونی و نهادهای اجتماعی متناسب وجود داشته باشند و هم باید مشارکت‌کنندگان شرایط لازم را داشته باشند. علل عدم مشارکت عبارتند از: بی‌سوادی و فقدان اطلاعات، موانع زبانی و فرهنگی، عادت امتناع از رأی دادن، بدبینی فرد در خصوص کارایی مشارکت، کمبود وقت و نیز عدم آمادگی مسئولان دولتی جهت گفت‌وگو و پذیرش اظهار نظر مردم باید توجه نمود ... همچنین؛ وجود فلسفه‌ی اجتماعی و سیاسی مؤثر، اراده‌ی سیاسی لازم، وجود قوانین و نهادهای مناسب، برخورداری از تحصیلات و اطلاعات مناسب، داشتن وقت کافی، دوری از انزوا و کناره‌گیری، عدم تردید در مورد مؤثر بودن فرایند مشارکت، نظام اجتماعی که ظرفیت پذیرش مشارکت را داشته باشد، شرایط ذهنی و مالی مناسب برای مشارکت، وجود جو بردباری و تساهل، توسعه‌ی فرهنگی و پذیرش کثرت‌گرایی از زمینه‌های اصلی مؤثر در تحقق و بسط مشارکت اجتماعی هستند (گائوتری، ۱۹۸۶: ۱۱).

- ساموئل موشی^۱ (۱۹۸۶)، بر اساس تجربه‌ی تانزانیا در نهادی کردن مشارکت معتقد است برای بسط و گسترش مشارکت در آغاز ضرورت دارد روحیه‌ی دموکراسی نهادی شود. به نظر او پیش‌شرط‌های نهادی شدن مشارکت عبارتند از: الف) ایدئولوژی مشارکتی (بعد هنجاری)؛ ب) نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی)؛ ج) اطلاعات کافی و مناسب؛ د) منافع فنی و مادی مناسب، به نظر وی اینها لوازم نهادی شدن مشارکت هستند که باید در اختیار توده‌ی مردم و رهبران جامعه باشند ولی در عمل معمولاً این شرایط در کشورهای جهان سوم وجود ندارند. به نظر او نهادی شدن ایدئولوژی مشارکتی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مشکل‌زا در کشورهای جهان سوم است (موشی، ۱۹۸۶: ۲۸۴).

- عبیدالله خان که توسعه را فرایند بنیادی تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌داند معتقد است که؛ در این فرایند نقش اصلی را باید اکثریت اعضای جامعه عهده‌دار باشند به نظر او توسعه‌ای که عده‌ای را در حاشیه قرار دهد توسعه‌ی مناسبی نیست و راه برطرف کردن این نقص را شرکت تهیدستان در فرایند توسعه و تصمیم‌گیری و اجرا می‌داند. او علاوه بر عامل دسترسی به منابع عواملی چون اعتماد به نفس و تشکیل سازمان‌های محلی را برای گسترش مشارکت مورد توجه قرار می‌دهد. به علاوه به نظر

^۱ Samuel Mushi

عبیدالله خان مشارکت در گرو شکستن تمرکز قدرت است و این کار با توزیع درست منابع در بین اعضای جامعه و نه در شکل دریافت کنندگان منفعل خدمات دولتی است. نگرش پدرانه بوروکراتیک مانع مشارکت مردمی است و از طرفی بی میلی بعضی از مأموران دولتی به وارد نمودن مردم روستایی در تعیین و ارزیابی پروژه‌های محلی مانع مهمی بر سر راه مشارکت عمومی است (عبیدالله خان، ۱۳۶۵: ۷۲-۵۶).

- پرلمن^۱ سه مجموعه معضل را برای توسعه‌ی مشارکتی شناسایی کرده است: الف) ایدئولوژی در برابر عمل‌گرایی: اگر گروه‌ها از طرف عوامل تغییر (عمدتاً طبقه‌ی متوسط) با یک ایدئولوژی سیاسی تعریف شوند این گروه‌ها نمی‌توانند در میان مردم کم‌درآمد رشد نمایند ولی اگر فارغ از ایدئولوژی عمل نمایند مشارکت بیشتری را به دنبال خواهند داشت؛ ب) کنش در برابر بازنگری: اگر منحصراً روی کنش تأکید شود مردم احساس می‌کنند که بیرون از یادگیری، فهم و تصمیم‌گیری قرار گرفته‌اند و آنها را از فرایند مشارکت مستثنی نموده‌اند؛ ولی اگر بر آگاه‌سازی و بازنگری تأکید شود مردم علاقه‌ی بیشتری را نشان خواهند داد؛ ج) محلی‌گرایی در برابر هم‌پیمان‌سازی: اگر گروه‌ها به صورت محلی و حاشیه‌ای نگه داشته شوند تأثیر تغییر و تحول‌شان را ضعیف خواهند دید لیکن وقتی که فراتر از وضعیت محلی قرار می‌گیرند با بهره‌گیری از تجارب و مبادله‌ی اطلاعات آمادگی بیشتری را از خود برای مشارکت و تغییر نشان خواهند داد (بروکی، ۱۹۹۳: ۱۸۳؛ به نقل از غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۹۵).

- سالیما عمر، راه عمده‌ی توسعه را فقط از طریق مشارکت مردم و برنامه‌ریزی از پایین به بالا می‌داند. او دموکراسی مشارکتی را به‌عنوان تنها راه حل رسیدن به توسعه در تمامی ابعاد می‌داند. به نظر وی یکی از عوامل مؤثر بر راه جلب مشارکت مردمی تأسیس نهاد مشارکتی است. منظور از تأسیس این نهاد ایجاد مکانیزم‌هایی است که به‌طور مستمر و پایدار مکانی را در اختیار مردم قرار می‌دهند تا درباره‌ی مشکلاتی که با آنها مواجه‌اند به بحث بپردازد و در مورد مسائل، تصمیم‌گیری و راه‌حلی را تعیین کنند و به برنامه‌ریزی فعالیت‌هایی بپردازند که آرزوهایشان را منعکس می‌کند. علاوه بر این؛ یکی دیگر از مکانیزم‌های جلب مشارکت مردمی وجود یک نظام غیر متمرکز است. هر چه عدم تمرکز کوچک‌تر باشد مشارکت مستقیم‌تر و مداخله و کنترل نهایی آنها که به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار دارند بیشتر است (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۸۵).

^۱ Perlman

- میسرا به‌عنوان نظریه‌پردازان توسعه‌ی مشارکتی، معتقد است که؛ برای جلب مشارکت مردم در طرح‌های توسعه باید نظام برنامه‌ریزی غیر متمرکز ایجاد شود. او طرفدار توسعه از پایین به بالا است. به نظر وی ساده‌لوحانه است که بگوییم مردم آمادگی لازم جهت به دوش کشیدن مسئولیت‌ها را ندارند. در نظر او احساس مسئولیت امری ذاتی نیست بلکه محصول نظام اجتماعی است که انسان در آن رشد می‌کند. دادن مسئولیت به مردم یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای ایجاد جامعه‌ی مسئول است (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۸۶).

- برایان جین^۱ برای دستیابی به مشارکت مردمی چهار عامل را ضروری می‌داند:
 (۱) وجود ایدئولوژی مشارکت: قبل از مشارکت باید اخلاق دموکراتیک در جامعه نهادینه شده و به‌عنوان یک فرایند پویا در جامعه واقعیت پیدا کند. برای ایجاد ایدئولوژی مشارکت باید سه اقدام صورت گیرد.

(الف) اعتماد به مردم: برون واگذاری بعضی از مظاهر قدرت به مردم و اعتماد در تصمیم‌گیری‌های محلی امکان مشارکت گروه‌های ضعیف در جامعه را به دنبال دارد؛
 (ب) ایجاد روحیه‌ی خودتکایی در مردم: فهم مشارکت فقط با تشویق خودتکایی و افزایش اعتماد به نفس به مردم انجام می‌شود؛

(ج) اقدامات گروهی و تشکیل انجمن‌ها: گروه‌های ضعیف جامعه به صورت فردی، خود را ناتوان جهت مشارکت در طرح‌ها می‌بینند اما هنگامی که به صورت گروهی وارد عمل می‌شوند، تمایل بیشتری به مشارکت دارند؛

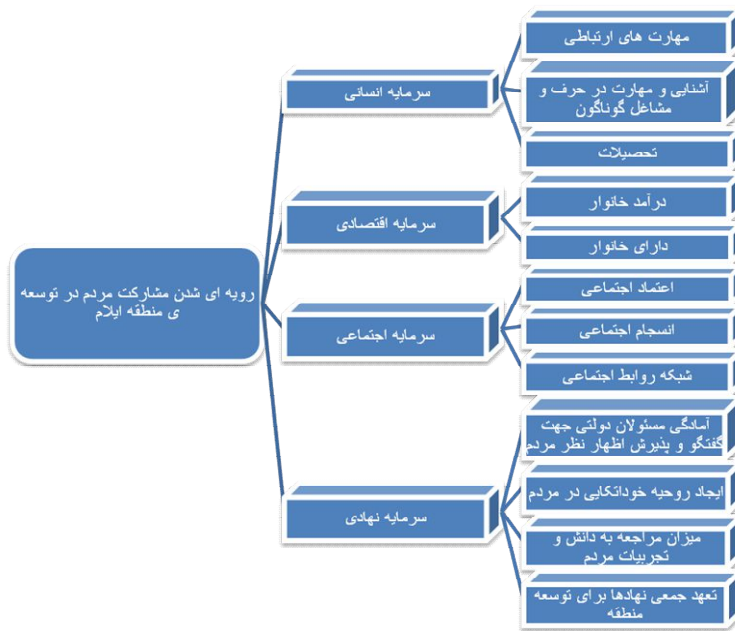
(۲) بعد سازمانی مشارکت و وجود مؤسسات مشارکتی: اولین مسئله بعد از ایجاد ایدئولوژی مشارکت، ایجاد مؤسسات مشارکتی است. این مؤسسات یک هدف عمده دارند و آن تعدیل در سطوح بالا و گسترش آن در سطوح پایین جامعه است. نقطه‌ی شروع چنین حرکتی تمرکززدایی است که معمولاً با مخالفت‌هایی از طریق ساختار مدیریتی بالادست روبه‌رو است؛

(۳) فراهم کردن اطلاعات کافی و ایجاد شبکه‌ی اطلاع‌رسانی: بدون وجود اطلاعات کافی، حتی اگر مؤسسات مشارکتی باشند، اتفاق نمی‌افتد. مردم باید در خصوص فرایند کار، نتایج احتمالی آن و موارد دیگر اطلاعات داشته باشند؛

(۴) دسترسی به منابع فنی و اعتباری: علاوه بر مواردی که به آنها اشاره شد، برای مشارکت، نیاز به نیروی انسانی و بودجه‌ی کافی است. در بسیاری از موارد مردم باید به

^۱ Beryanjeen

درجاتی از توانایی مادی برسند تا بتوانند در فعالیتی مشارکت کنند (برایان جین، ۲۰۰۳: ۸-۹).



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

فرضیه های پژوهش

۱. بین ظرفیت های محلی توسعه با رویه ای شدن مشارکت مردم در توسعه ای منطقه ایلام رابطه ای معناداری وجود دارد.
۲. بین سرمایه ای انسانی با رویه ای شدن مشارکت مردم در توسعه ای منطقه ایلام رابطه ای معناداری وجود دارد.
۳. بین سرمایه ای اقتصادی با رویه ای شدن مشارکت مردم در توسعه ای منطقه ایلام رابطه ای معناداری وجود دارد.

۴. بین سرمایه‌ی اجتماعی با رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
۵. بین سرمایه‌ی نهادی با رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش روش تحقیق کمی و نوع تحقیق توصیفی - تحلیلی است. جامعه‌ی آماری تحقیق افراد بالای ۱۵ سال استان ایلام به تعداد (۴۳۲۵۲۸) نفر را تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه‌ای به تعداد (۴۳۹) نفر انتخاب شده است. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. در ابتدا از میان شهرستان‌های ایلام، ایوان، مهران، ملکشاهی، شیروان و چرداول، شیروان، بدره، دره‌شهر، آبدانان و دهلران دو شهرستان ایلام در حوزه‌ی شمالی استان و دهلران در حوزه‌ی جنوبی که بیش از نیمی از جمعیت و وسعت استان را به خود اختصاص داده‌اند به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. سپس، خوشه‌ی دوم از بخش‌های شهری تابع شهر ایلام (مناطق شهرداری ۱ و ۲) و شهر دهلران (منطقه‌ی ۱ و ۳) انتخاب شده‌اند. در مرحله‌ی سوم، خوشه‌ها در سطح خیابان‌های هر شهر انتخاب و در مرحله‌ی چهارم از میان بلوک‌های انتخابی، محقق سعی بر آن داشته که به درب منازل مسکونی رجوع کنند و پرسشنامه‌ها به وسیله‌ی سرپرست خانوار یا یکی از اعضای مطلع خانواده تکمیل شود. چهار روستا در حوزه‌ی شمالی و جنوبی نیز در تکمیل پرسشنامه‌ها مشارکت داشته‌اند؛ همچنین از ضریب همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه‌ی معناداری میان متغیرهای تحقیق و تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته رگرسیون خطی گرفته شده است. اعتبار تحقیق، اعتبار محتوای (صوری) و پایایی تحقیق با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ به شرح جدول ۱ بدست آمده است.

جدول ۱: مقدار آلفای کرونیخ متغیرهای تحقیق

مقدار آلفای کرونیخ	تعداد سؤالات	متغیرهای مفهومی تحقیق
۰/۷۲۴	۱۶	سرمایه‌ی انسانی
۰/۷۶۹	۷	سرمایه‌ی اقتصادی
۰/۷۹۹	۳۲	سرمایه‌ی اجتماعی
۰/۹۱۴	۱۵	سرمایه‌ی نهادی
۰/۷۶۹	۷۰	ظرفیت‌های محلی توسعه
۰/۷۹۰	۲۲	رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام
۰/۸۹۵	۹۲	آلفای کل

یافته‌های پژوهش

۱- آزمون معناداری فرضیه‌ها

جدول ۲: ضریب همبستگی پیرسون

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر
۰/۰۰۰	۰/۳۵۸	سرمایه‌ی انسانی
۰/۰۰۰	۰/۲۰۵	سرمایه‌ی اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۳۱۱	سرمایه‌ی اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۲۶۲	سرمایه‌ی نهادی
۰/۰۰۰	۰/۴۳۷	ظرفیت‌های محلی توسعه

جدول فوق نشان می‌دهد مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی نهادی و ظرفیت‌های محلی توسعه با متغیر وابسته - به ترتیب (۰/۳۵۸)، (۰/۲۰۵)، (۰/۳۱۱)، (۰/۲۶۲)، (۰/۴۳۷) در سطح ۰/۰۰۰ - مثبت و معنادار بوده و لذا با افزایش یا کاهش هر کدام از متغیرهای سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی نهادی و ظرفیت‌های محلی توسعه به ترتیب میزان رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام افزایش یا کاهش می‌یابد.

۲- برآورد مدل پیش‌بینی (رگرسیون)
الف) تأثیر سرمایه انسانی بر متغیر وابسته

جدول ۳: ضریب تعیین برازش رگرسیونی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۳۸۴	۰/۱۴۷	۰/۱۴۱	۰/۴۸۶۲۹

بر اساس جدول فوق؛ ضریب همبستگی متغیرهای مهارت‌های ارتباطی، آشنایی و مهارت در حرف یا مشاغل گوناگون و تحصیلات برابر ۰/۳۸۴ و مجذور آن یعنی ضریب تبیین برابر $R^2 = 0/147$ و ضریب تبیین تعدیل شده نیز برابر $R^2 = 0/141$ می‌باشد. به عبارت دیگر در حالت تعدیل یافته ۰/۱۴۱ درصد از واریانس متغیر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه‌ای ایلام توسط متغیرهای مذکور پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۴: تحلیل واریانس برازش رگرسیونی

	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۱۷/۷۵۱	۳	۵/۹۱۷	۲۵/۰۲۱	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۰۲/۸۶۹	۴۳۵	۰/۲۳۶		
کل	۱۲۰/۶۱۹	۴۳۸			

در جدول فوق، مجموع مربعات، میانگین مربعات، درجات آزادی، مقدار آماره‌ی F (۲۵/۰۲۱) و همچنین سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) نشان داده شده است. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است می‌توان معنی‌داری رگرسیون را استنتاج نمود.

جدول ۵: ضرایب مدل رگرسیون

سطح معنی‌داری	t	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		ضرایب استاندارد	خطای استاندارد	
۰/۰۰۰	۸/۲۱۹	-	۰/۱۴۳	(ثابت)
۰/۰۰۰	۷/۸۷۳	۰/۳۵۰	۰/۰۳۲	مهارت‌های ارتباطی
۰/۰۰۶	۲/۷۴۶	۰/۱۲۲	۰/۰۱۵	آشنایی و مهارت در حرف یا مشاغل گوناگون
۰/۲۹۸	۱/۰۴۱	۰/۰۴۶	۰/۰۲۴	تحصیلات

بر اساس جدول ۵؛ ضریب رگرسیون برای متغیر مهارت‌های ارتباطی برابر ۰/۲۴۸، مقدار خطای استاندارد ۰/۰۳۲ و ضریب استاندارد برابر ۰/۳۵۰ بدست آمده است. با توجه به اینکه مقدار آماره t برابر ۷/۸۷۳ بدست آمده و سطح معنی‌داری (برابر ۰/۰۰) کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است می‌توان معنی‌داری ضریب متغیر مهارت‌های ارتباطی و تأثیر آن بر متغیر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه‌ای ایلام را تأیید کرد. برای متغیر مهارت در حرف یا مشاغل گوناگون نیز چنین نتیجه‌ای حاصل شده است. ولی متغیر تحصیلات عدم معنی‌داری از خود نشان می‌دهد.

ب) تأثیر سرمایه اقتصادی بر متغیر وابسته

جدول ۶: ضریب تعیین برازش رگرسیونی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۲۱۲	۰/۰۴۵	۰/۰۴۱	۰/۵۱۳۹۷

بر اساس جدول فوق؛ ضریب همبستگی متغیرهای میزان درآمد و دارای خانوار، برابر ۰/۲۱۲ و مجذور آن یعنی ضریب تبیین برابر $R^2 = 0.045$ و ضریب تبیین تعدیل شده نیز برابر $\bar{R}^2 = 0.041$ می‌باشد. به عبارت دیگر در حالت تعدیل یافته ۰/۰۴۱ درصد از واریانس متغیر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه‌ای ایلام توسط متغیرهای مذکور پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۷: تحلیل واریانس برازش رگرسیونی

	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۵/۴۴۳	۲	۲/۷۲۱	۱۰/۳۱۰	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۱۵/۱۷۷	۴۳۶	۰/۲۶۴		
کل	۱۲۰/۶۱۹	۴۳۸			

در جدول فوق مجموع مربعات، میانگین مربعات، درجات آزادی، مقدار آماره F (۱۰/۳۱۰) و همچنین سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) نشان داده شده است. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است می‌توان معنی‌داری رگرسیون را استنتاج نمود.

جدول ۸: ضرایب مدل رگرسیون

سطح معنی داری	t	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		ضرایب استاندارد	خطای استاندارد	
۰/۰۰۰	۳۳/۶۳۳	-	۰/۰۶۰	۲/۰۱۶ (ثابت)
۰/۰۰۰	۳/۶۵۱	۰/۱۷۹	۰/۰۲۱	دارای خانوار
۰/۰۳۸	۱/۴۸۸	۰/۰۷۳	۰/۰۲۳	میزان درآمد

جدول فوق برآورد ضرایب مدل رگرسیونی را نشان می‌دهد. ضریب رگرسیون برای متغیر دارای خانوار برابر ۰/۰۷۵، مقدار خطای استاندارد ۰/۰۲۱ و ضریب استاندارد برابر ۰/۰۷۵ بدست آمده است. با توجه به اینکه مقدار آماره t برابر ۳/۶۵۱ بدست آمده و سطح معنی داری (برابر ۰/۰۰) کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است می‌توان معنی داری ضریب متغیر دارای خانوار و تأثیر آن بر متغیر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه‌ای ایلام را تأیید کرد. برای متغیر میزان درآمد خانوار نیز چنین نتیجه‌ای حاصل شده است.

ج) تأثیر سرمایه اجتماعی بر متغیر وابسته

جدول ۹: ضریب تعیین برازش رگرسیونی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۳۹۲	۰/۱۵۴	۰/۱۴۸	۰/۴۸۴۴۵

بر اساس جدول فوق؛ ضریب همبستگی متغیرهای اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و شبکه‌ی روابط اجتماعی میان افراد برابر ۰/۳۹۲ و مجذور آن یعنی ضریب تبیین برابر $R^2 = 0/154$ و ضریب تبیین تعدیل شده نیز برابر $R^2 = 0/148$ می‌باشد. به عبارت دیگر در حالت تعدیل یافته ۰/۱۴۸ درصد از واریانس متغیر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه‌ی ایلام توسط متغیرهای اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و شبکه‌ی روابط اجتماعی میان افراد پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۱۰: تحلیل واریانس برازش رگرسیونی

سطح معنی داری	F	میانگین مربعات	درجه‌ی آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۰۰	۲۶/۳۱۹	۶/۱۷۷	۳	۱۸/۵۲۰	رگرسیون
		۰/۲۳۵	۴۳۵	۱۰۲/۰۸۹	باقیمانده
			۴۳۸	۱۲۰/۶۱۹	کل

جدول ۱۰ تحلیل واریانس برازش رگرسیونی را نشان می‌دهد که در آن مجموع مربعات، میانگین مربعات، درجات آزادی، مقدار آماره‌ی F (۲۶/۳۱۹) و همچنین سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) نشان داده شده است. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است می‌توان معنی‌داری رگرسیون را استنتاج نمود.

جدول ۱۱: ضرایب مدل رگرسیون

سطح معنی‌داری	t	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		ضرایب استاندارد	خطای استاندارد	
۰/۰۰۰	۵/۶۳۲	-	۰/۱۷۹	۱/۰۰۷ (ثابت)
۰/۰۰۰	۶/۴۲۰	۰/۳۰۶	۰/۰۵۳	۰/۳۳۷ اعتماد اجتماعی
۰/۱۱۸	-۱/۵۶۵	-۰/۰۷۲	۰/۰۴۳	-۰/۰۶۸ انسجام اجتماعی
۰/۰۰۰	۴/۱۸۵	۰/۱۹۲	۰/۰۳۱	۰/۱۲۹ شبکه‌ی روابط

جدول فوق نشان می‌دهد ضریب رگرسیون برای متغیر اعتماد اجتماعی ۰/۳۳۷، مقدار خطای استاندارد ۰/۰۵۳ و ضریب استاندارد برابر ۰/۳۰۶ بدست آمده است. با توجه به اینکه مقدار آماره‌ی t برابر ۶/۴۲۰ بدست آمده و سطح معنی‌داری (برابر ۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است می‌توان معنی‌داری ضریب متغیر اعتماد اجتماعی و تأثیر آن بر متغیر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام را تأیید کرد. برای متغیر شبکه‌ی روابط میان افراد نیز چنین نتیجه‌ای بدست آمده است اما متغیر انسجام اجتماعی به شرح فوق عدم معنی‌داری از خود نشان می‌دهد.

د) تأثیر سرمایه نهادی بر متغیر وابسته

جدول ۱۲: ضریب تعیین برازش رگرسیونی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۳۷۰	۰/۰۷۳	۰/۰۶۴	۰/۵۰۷۶۲

جدول فوق نشان می‌دهد ضریب همبستگی آمادگی مسئولان دولتی جهت گفتگو و پذیرش اظهار نظر مردم، ایجاد روحیه‌ی خوداتکایی در مردم، میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم، تعهد جمعی نهادها برای توسعه‌ی منطقه ۰/۲۷۰ و مجذور آن یعنی ضریب تبیین برابر $R^2 = ۰/۰۷۳$ و ضریب تبیین تعدیل شده نیز برابر $R^2 = ۰/۰۶۴$ می‌باشد.

به عبارت دیگر در حالت تعدیل یافته ۰/۰۶۴ درصد از واریانس متغیر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام توسط متغیرهای مذکور پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۱۳: تحلیل واریانس برازش رگرسیونی

سطح معنی‌داری	F	میانگین مربعات	درجه‌ی آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۰۰	۸/۵۲۵	۲/۱۹۷	۴	۸/۷۸۷	رگرسیون
		۰/۲۵۸	۴۳۴	۱۱۱/۸۳۲	باقیمانده
			۴۳۸	۱۲۰/۶۱۹	کل

جدول فوق تحلیل واریانس برازش رگرسیونی را نشان می‌دهد که در آن مجموع مربعات، میانگین مربعات، درجات آزادی، مقدار آماره‌ی F (۸/۵۲۵) و همچنین سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) نشان داده شده است. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است می‌توان معنی‌داری رگرسیون را استنتاج نمود.

جدول ۱۴: ضرایب مدل رگرسیون

سطح معنی‌داری (۰/۰۵)	t	ضرایب	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		استاندارد	خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۲۲/۰۱۸	-	۰/۰۸۳	۱/۸۲۵	(ثابت)
۰/۰۲۵	۲/۲۴۵	۰/۱۴۸	۰/۰۴۱	۰/۰۹۳	آمدگی مسئولان دولتی جهت گفتگو و پذیرش اظهار نظر مردم
۰/۹۴۴	۰/۰۷۰	۰/۰۰۵	۰/۰۴۱	۰/۰۰۳	ایجاد روحیه‌ی خوداتکایی در مردم
۰/۱۸۱	۱/۳۳۸	۰/۱۰۰	۰/۰۴۱	۰/۰۵۵	میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم
۰/۴۱۷	۰/۸۱۲	۰/۰۵۴	۰/۰۴۳	۰/۰۳۵	تعهد جمعی نهادها برای توسعه‌ی منطقه

جدول ۱۴ نشان می‌دهد ضریب رگرسیونی برای متغیر آمادگی مسئولان دولتی جهت گفتگو و پذیرش اظهار نظر مردم ۰/۰۹۳، مقدار خطای استاندارد ۰/۰۴۱ و ضریب استاندارد برابر ۰/۱۴۸ بدست آمده است. با توجه به اینکه مقدار آماره‌ی t برابر ۲/۲۴۵ بدست آمده و سطح معنی‌داری (برابر ۰/۰۲۵) کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است می‌توان معنی‌داری ضریب متغیر آمادگی مسئولان دولتی جهت گفتگو و پذیرش اظهار نظر مردم و تأثیر آن بر متغیر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام را تأیید کرد. ضریب رگرسیونی برای سایر متغیرها تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته را نشان نمی‌دهد.

ه) تأثیر ظرفیت‌های محلی توسعه بر متغیر وابسته

جدول ۱۵: ضریب تعیین برازش رگرسیونی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۴۷۱	۰/۲۲۱	۰/۲۱۴	۰/۴۶۵۱۶

جدول فوق نشان می‌دهد ضریب همبستگی متغیرهای سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی نهادی، برابر ۰/۴۷۱ و مجذور آن یعنی ضریب تبیین برابر $R^2 = 0/221$ و ضریب تبیین تعدیل شده نیز برابر $R^2 = 0/214$ می‌باشد. به عبارت دیگر در حالت تعدیل یافته ۰/۲۱۴ درصد از واریانس متغیر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام توسط متغیرهای مذکور پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۱۶: تحلیل واریانس برازش رگرسیونی

	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۲۶/۷۱۲	۴	۶/۶۷۸	۳۰/۸۶۳	۰/۰۰۰
باقیمانده	۹۳/۹۰۷	۴۳۴	۰/۲۱۶		
کل	۱۲۰/۶۱۹	۴۳۸			

در جدول فوق؛ مجموع مربعات، میانگین مربعات، درجات آزادی، مقدار آماره‌ی F (۳۰/۸۶۳) و همچنین سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) نشان داده شده است. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است می‌توان معنی‌داری رگرسیون را استنتاج نمود.

جدول ۱۷: ضرایب مدل رگرسیون

سطح معنی‌داری	t	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		ضرایب استاندارد	خطای استاندارد	
۰/۰۶۱	۱/۸۷۶	-	۰/۱۹۱	۰/۳۵۹ (ثابت)
۰/۰۰۰	۶/۵۱۶	۰/۲۹۲	۰/۰۳۷	۰/۲۴۲ سرمایه‌ی انسانی
۰/۱۳۰	۲/۴۳۸	۰/۱۰۸	۰/۰۲۴	۰/۰۵۹ سرمایه‌ی اقتصادی
۰/۰۰۲	۳/۱۳۱	۰/۱۵۱	۰/۰۶۱	۰/۱۹۲ سرمایه‌ی اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۸۷۹	۰/۱۸۲	۰/۰۳۳	۰/۱۲۷ سرمایه‌ی نهادی

بر اساس جدول ۱۷؛ ضریب رگرسیون برای متغیر سرمایه‌ی انسانی، ۰/۴۲۲، مقدار خطای استاندارد ۰/۰۳۷ و ضریب استاندارد برابر ۰/۲۹۲ بدست آمده است. با توجه به اینکه مقدار آماره‌ی t برابر ۶/۵۱۶ بدست آمده و سطح معنی‌داری (برابر ۰/۰۰۲) کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است می‌توان معنی‌داری ضریب متغیر سرمایه‌ی انسانی و تأثیر آن بر متغیر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام را تأیید کرد. سایر متغیرها نیز معنی‌دار است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناخت و تحلیل «عوامل مرتبط با توسعه‌ی مشارکتی از منظر ظرفیت‌های محلی توسعه» در استان ایلام نگاشته شد و سعی محقق بر آن بوده که با توجه به رهیافت‌های نوین توسعه بین توسعه و مشارکت پیوند مفهومی ایجاد نماید بویژه این که توسعه‌ی مشارکتی در بسترهای مدیریتی مشارکت یعنی رویکرد حکمرانی خوب و گسترش سازمان‌های مردم نهاد تئوریزه شده و با توجه به عوامل تبیین‌کننده‌ی مشارکت در توسعه بخصوص از دیدگاه محققان توسعه‌ی مشارکتی ظرفیت‌های محلی توسعه در چهار بعد سرمایه‌های انسانی، اقتصادی، اجتماعی و نهادی تعریف و در نهایت فرضیه‌سازی شد.

بر این منوال؛ نتایج آزمون فرضیه‌های این پژوهش نشان می‌دهد رابطه‌ی میان متغیرهای مستقل سرمایه‌ی انسانی ۰/۲۷۶، سرمایه‌ی اقتصادی ۰/۲۱۲، سرمایه‌ی اجتماعی ۰/۳۱۱، سرمایه‌ی نهادی ۰/۲۶۲ و ظرفیت‌های محلی توسعه (۰/۴۳۷) با متغیر وابسته یعنی رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام در سطح ۰/۰۰۰ معنادار بوده و در نتیجه با افزایش ظرفیت‌های محلی توسعه در ابعاد انسانی، اقتصادی، اجتماعی و نهادی میزان رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام نیز افزایش می‌یابد. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های داخلی همچون محسنی‌تبریزی (۱۳۷۸)، نیازی (۱۳۸۰)، غفاری (۱۳۸۰)، یوسفوند (۱۳۹۲) و مطالعات خارجی گیوردانو (۲۰۰۱)، سامپر (۲۰۰۷)، هیپا و همکاران (۲۰۰۸) همخوانی دارد. آنها در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای وضعیت‌های اقتصادی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، ظرفیت نهادی، شبکه‌های ارتباطی افراد، منابع مالی و توانایی‌های امور اجرایی و مشارکت در توسعه ارتباط معناداری وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیونی تأثیر سرمایه‌ی انسانی بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام نشان می‌دهد؛ متغیر مهارت‌های ارتباطی و مهارت در حرف یا

مشاغل گوناگون بر متغیر وابسته به ترتیب با میزان بتای برابر (۰/۳۵۰) و (۰/۱۲۲) تأثیر معنی‌داری نشان می‌دهند اما تأثیر متغیر تحصیلات عدم معنی‌داری از خود نشان می‌دهد. نتایج تحلیل رگرسیونی تأثیر سرمایه‌ی اقتصادی بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام نشان می‌دهد؛ متغیر دارای خانوار و درآمد خانوار بر متغیر وابسته به ترتیب با میزان بتای برابر (۰/۱۷۹) و (۰/۰۷۳) تأثیر معنی‌داری نشان می‌دهند.

نتایج تحلیل رگرسیونی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام نشان می‌دهد؛ متغیر اعتماد اجتماعی و شبکه‌ی روابط افراد بر متغیر وابسته به ترتیب با میزان بتای برابر (۰/۳۰۶) و (۰/۱۹۲) تأثیر معنی‌داری نشان می‌دهند اما تأثیر متغیر انسجام اجتماعی عدم معنی‌داری از خود نشان می‌دهد.

نتایج تحلیل رگرسیونی تأثیر سرمایه‌ی نهادی بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام نشان می‌دهد؛ متغیر آمادگی مسئولان دولتی جهت گفتگو و پذیرش اظهار نظر مردم بر متغیر وابسته با میزان بتای برابر (۰/۱۴۸) تأثیر معنی‌داری نشان می‌دهند اما تأثیر متغیرهای ایجاد روحیه‌ی خوداتکایی در مردم، میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم و تعهد جمعی نهادها برای توسعه‌ی منطقه عدم معنی‌داری از خود نشان می‌دهد.

نتایج تحلیل رگرسیونی تأثیر ظرفیت‌های محلی توسعه بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام نیز نشان می‌دهد؛ متغیر سرمایه‌ی انسانی با میزان بتای برابر با ۰/۲۹۲ بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته یعنی رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام را دارد. متغیر سرمایه‌ی نهادی با میزان بتای برابر با ۰/۱۸۲ در رتبه‌ی دوم، متغیر سرمایه‌ی اجتماعی با میزان بتای برابر با ۰/۱۵۱ در رتبه‌ی سوم و در نهایت متغیر سرمایه‌ی اقتصادی با میزان بتای برابر با ۰/۱۰۸ کمترین تأثیر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام را دارد.

بر این اساس؛ با توجه به نتایج تحلیل رگرسیونی متغیرهای تحقیق می‌توان نتیجه گرفت؛ سرمایه‌های انسانی، اقتصادی، اجتماعی و نهادی عوامل معنی‌داری هستند که توسعه‌ی مشارکتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین؛ شاخص‌های مهارت‌های ارتباطی، درآمد، مهارت‌های شغلی، آمادگی مسئولان دولتی جهت گفتگو و پذیرش اظهار نظر مردم، شبکه‌ی روابط اجتماعی میان مردم، اعتماد نهادی، اعتماد شخصی و اعتماد تعمیم‌یافته، مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام تأثیر گذارند.

به‌طور کلی در این پژوهش می‌توان چنین بحث و نتیجه‌گیری نمود که الگوی توسعه‌ی مشارکتی در جامعه‌ی محلی ایلام - که دارای پتانسیل‌های خوبی در زمینه‌ی کشاورزی، دامپروری، گردشگری، ذخایر گاز و نفت است - زمانی می‌تواند به یک الگوی واقعی و پویا تبدیل شود که یک پل ارتباطی حاکمیت و ساکنان بومی از منظر مشارکت عمومی تمام‌ذی‌نفعان محلی در فقرزدایی و کاهش محرومیت استان ایلام را بسازد و در چنین فرایندی از توسعه افزایش توان افراد مشارکت‌کننده، توانمندسازی آسیب‌پذیران طرح‌های توسعه از بالا به پایین یا تحمیلی، احترام به دیدگاه‌ها و طرح‌های نخبگان و غیر نخبگان در جامعه‌ی محلی، تقویت میراث فرهنگی و دانش محلی مردم، صف‌آرایی فعالیت‌های مشارکتی به منظور توسعه و آبادانی جامعه‌ی محلی، رسالت و آرمان مشارکت در توسعه‌ای باشد که در آن رویکرد حکمرانی خوب از بالا به پایین و سازمان‌های مردم‌نهاد از پایین به بالا ضربه‌هایی به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه‌ی توسعه‌ی محلی می‌زنند که در آن شاخص‌هایی همچون مهارت‌های ارتباطی، دارای خانوار، درآمد خانوار، مهارت‌های شغلی، آمادگی مسئولان دولتی جهت گفتگو و پذیرش اظهار نظر مردم، تعامل جمعی نهادها برای تعامل با سطوح بالاتر حاکمیت، میزان آگاهی نهادها از شرایط منطقه در ابعاد انسانی، اقتصادی، اجتماعی، نهادی، فرهنگی و حتی فیزیکی و محیطی، قوانین مناسب، حفظ و توسعه‌ی شبکه‌ی روابط اجتماعی میان مردم، تقویت اعتماد نهادی، اعتماد شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته در آن پررنگ‌تر و فعال‌تر دیده شود. به عبارت دیگر؛ به منظور پیشبرد اهداف مشارکتی توسعه در منطقه‌ی ایلام، کنشگران یا ذینفعان جامعه‌ی محلی تحقیق یعنی هم مردم، هم بخش خصوص، هم جامعه‌ی مدنی و بخش حاکمیتی یا به عبارت بهتر نهادهای دولتی؛ - از طریق حفظ و تقویت روحیه‌ی تعاون و همکاری در جامعه، حفظ و تقویت روحیه‌ی انتقادپذیری و احترام به نظرات دیگران، حفظ و تقویت همدلی در ارتباط با دیگران و بویژه گوش دادن به مشکلات و احتیاجات سایر ذینفعان، عضویت مردم در صندوق‌های قرض‌الحسنه، تقویت و تحرک بخشیدن به آموزش و یادگیری حرفه‌ها و مشاغل گوناگون، آمادگی مسئولان دولتی جهت گفتگو و پذیرش اظهار نظر مردم، شکل‌گیری فضای شفاف میان نهادهای دولتی و مردم در خصوص پروژه‌های توسعه‌ای استان، گسترش روحیه‌ی همکاری و مشارکت مردم در پروژه‌ها، کاهش تضادها و چالش‌های قومی و قبیله‌ای پیش روی طرح‌های محرومیت‌زدایی در استان، حفظ و توسعه‌ی شبکه‌ی روابط اجتماعی میان مردم، تقویت اعتماد اجتماعی، عملکرد مناسب گروه‌ها، اقشار، صنوف و ادارات محلی منطقه - گفتمان توسعه‌ی مشارکتی ایلام را در نظر و عمل اجرا کنند.

فهرست منابع:

- استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۲). به سوی پارادایم جدید توسعه، ترجمه‌ی اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره‌ی ۱۹۷ و ۱۹۸.
- بورديو، پيیر (۱۳۸۵). شکل‌های سرمایه، سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه‌ی کیان تاجبخش، افشین خاکباز و حسین پویان، تهران: نشر شیرازه.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: سلام.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک، تهران: دانشگاه تهران.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۶۸). نظریه‌های مختلف درباره‌ی راه‌های گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی، ویرایش دوم تهران، قومس.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰). "مشارکت مردم، تعاون"، فصلنامه‌ی اجتماعی و فرهنگی وزارت تعاون، شماره‌ی ۹۹.
- عبیدالله‌خان، ا. ز. ام. (۱۳۶۵). توسعه‌ی مشارکتی، ترجمه‌ی عباس مخبر، برنامه‌ریزی در سطح محلی و توسعه‌ی روستایی، تهران: وزارت برنامه و بودجه.
- علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۸). الگوی مشارکت در جامعه‌ی مردم‌سالار، مجله‌ی شهرداری‌ها، سال اول.
- علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها، تجارب جهان و ایران، جلد اول، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.
- عمر، سالیما (۱۳۶۵). دموکراسی مشارکتی، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: وزارت برنامه و بودجه.
- عنبری، موسی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: انتشارات سمت.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - اقتصادی سازمان‌یافته روستاییان به‌عنوان مکانیزمی برای توسعه‌ی روستایی در ایران: (مطالعه‌ی موردی: روستاهای شهر کاشان)، پایان‌نامه‌ی دکتری دانشگاه تهران.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت. تهران: نشر نزدیک.
- فرجی‌راد، خدر (۱۳۹۰). تبیین رابطه‌ی ظرفیت نهادی و توسعه‌ی پایدار منطقه‌ای و ارائه‌ی یک چارچوب مناسب (مطالعه‌ی موردی: شهرستان‌های بوکان و ارومیه)، تهران، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴). بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن در شهر تهران، رساله‌ی دکتری، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

محسنی‌تبریزی، علیرضا (۱۳۷۸). "میزان مشارکت روستاییان و ارتباط آن با توسعه‌ی پایدار کشاورزی در روستاهای شهرستان گرمسار"، مجله‌ی جهاد، شماره‌ی ۲۲۲.

مونکنز، هانس (۱۳۷۴). راهبردهایی برای گسترش سازمان‌های خودیاری، ترجمه‌ی حمیدرضا زرنگار، تهران، معاونت ترویج جهاد سازندگی.

میسرا، آر. پی (۱۳۶۵). "مشارکت مردمی"، نشریه‌ی جهاد، سال ششم، شماره‌ی ۸۹.

نیازی، محسن (۱۳۸۱). تبیین موانع مشارکت اجتماعی شهر کاشان سال ۱۳۸۰، پایان‌نامه‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

یوسفوند، سامان (۱۳۹۲). بررسی ارتباط خرده‌فرهنگ محلی با توسعه‌ی مشارکتی (مورد مطالعه: روستاهای منطقه‌ی کهمان شهرستان سلسله)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

Bourdieu, P. and L. P. D. Wacquant (1992). *An Invitation to Reflexive sociology*. Chicago: University of Chicago Press.

Eade, D. (1997). *Capacity-Building: An Approach to people-centered Development*, oxfam publication, London.

European Commission (2005). *Institutional Assessment and Capacity Development: Why, What and How?*, Europe Aid.

Gaotri, H. (1986). "Popular Participation in Development" Paris: UNESCO, PP. 12-18.

Goldsmith, A. A. (1993). "The Institutions and Planned Socioeconomic Change: Four approaches", *public Administration Review*, vol32, pp. 52.

Goulet, D. (1989). "Participation in Development New Avenues", *World development*, Vol. 17, No. 20, 165-175.

Lipjhart, A. (1984). *Democracies*, Yale University Press, New Haven.

Mcclurg, S. (2005). "Social Networks and political participation: the Role of Social Interaction in Explaining political participation", *Political Reserch Quarterly*, Vol; 56.

Mushi, S. (1986). *Institutionalization of popular participation*, in: *participation in world development*, Paris: UNESCO.

Paxston, P. (2002). "Social capital and Democracy: an Interdependent Relationship", *American sociological review*, Vol. 67, pp 254-277.

Putnam, R. (1993). "The Prosperous community; social capital and public life", *The American prospect*, 4, 130.

Putnam, R. (2000). *Bowling Alone; The collapse and revival of American community*, Simon and Schuster, New York.

Pike, Andy, Andrés Rodríguez-Pose and John Tomaney (2006). *Local and regional development*, Routledge.

Rahnema, M. and Bawtree, V. (eds) (1997). *The Post-development Reader*, London: Zed Books.

Robins, L. (2008). *Perspectives on capacity building to guide policy and program development and delivery*, Environmental Science and policy II.

Uphoff, N. (1992). *Local Institutions and participation for Sustainable Development*, International Institute for Environment and Development, London.